

تو

چیزی مرا از تو

باز نمی‌گیرد.

نه پرواز دل‌فریب رنگ‌ها بر صورت پاییزی ساحل

و نه حتا،

شادی بی‌سبب گنجشک‌ها

بر شانه‌ی بی‌دریغ درخت.

نه! چیزی مرا از تو باز نمی‌گیرد.

چشم‌هایم هنوز

در مسیر افق خیره مانده است.

و واژه‌ها یکی‌یکی

بر لب‌های شعرم

تاول می‌زنند.

کدام قایق سرگردان

لبخندهای تو را به آغوش ساحل بازمی‌گرداند؟

کدام نشانه‌ی غریب

زمستان مرا به تأخیر می‌افکند؟

نه!

چیزی

مرا از تو باز نمی گیرد.